

نامه‌های رسیده به سردبیر

اشاره: هم‌روزه پیام‌های فراوان از انبوهی از خوانندگان ماهنامه‌ی حافظ با تلفن و فاکس و نامه به ما می‌رسد. شرمندیم که به دلیل کثرت نامه‌های رسیده، اعلام وصول نامه‌ها و پاسخ‌گویی به آن‌ها مقدورمان نیست. اما به شما اطمینان می‌دهیم که همه‌ی این نامه‌ها را می‌خوانیم و به نوبت قسمت‌هایی از نامه‌های خوانندگان فرهنگمند خود را که حاوی پیامی خواندنی باشد، در این بخش چاپ می‌کنیم.

حجت حیدری

سلامی چو بوی خوش آشنایی
بر آن مردم دیده‌ی روشنایی

همان‌گونه که کاملاً استحضار دارید، بی‌تردید کتاب، ماندگارترین و مهم‌ترین وسیله و ابزار جهت تبادل اندیشه‌ها و افکار فرهنگی و نیز یافته‌های نوین علمی به حساب می‌آید و در این عصر با وجود رسانه‌های گوناگون کتاب هم‌چنان ارزش، اهمیت و اعتبار خود را در میان جوامع مختلف علمی حفظ کرده است و به مصداق فرمایش حضرت مولا علی که: «الکتبُ بساتین العلماء» به خواست پروردگار توانا و عشق، علاقه و تعهد، نسبت به تأسیس کتابخانه‌ی عمومی با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره‌ی ۳/۸۰/۲۶۷۸۰/۳۱۲ در شهرستان بیرجند اقدام نموده‌ام، چون: گنجینه‌ی شعر شاعران است کتاب / باقی اثر سخنوران است کتاب / در وصف کتاب این سخن کافی نیست؟ / کز معجزه‌ی پیمبران است کتاب.

لذا بدین وسیله صمیمانه دست یاری در راه‌اندازی این مرکز علمی، فرهنگی به سوی همت جناب عالی دراز می‌نمایم تا در حد وسع و مقدرت با اهدای تعدادی کتاب به کتابخانه، بر این جانب و بهره‌وران از کتب منت نهاده و حضرت عالی با باقی‌نهادن نام شریف و مبارک خویش در راه احیای فرهنگ این منطقه گامی مفید و مؤثر بر خواهید داشت و این مکان را در دل کویر مبدل به باغستانی سبز، شاداب، خرم و زنده خواهید فرمود.

از بذل عنایتی که می‌فرمایید، پیشاپیش سپاسگزارم و امتنان فراوان بنده نثار دانشمندی چون شما که حتی با اهدای کتب، فصل‌نامه‌ها و مجلات فاقد استفاده در کتابخانه، محل کار یا منزل و... در به ثمر

رساندن این رسالت ما را یاری و مساعدت خواهید فرمود. در انتظار اقدامات مفید آن فاضل ارجمند می‌باشم. اوامری باشد در انجام آن مترصدم. دل‌تان آفتابی و جان‌تان غرق سرور، صفا و مهربانی باد.

بیرجند - مهدی افتخاری

ابتدائاً و در آغاز سخن، از ناتوانی قلم خویش و این‌که جسارت نموده و برایتان نوشته‌یی ارسال می‌دارم، پوزش می‌طلبم.

بنده قریب سه سال است که هر ماه و به‌طور پیوسته، اقدام به تهیه و مطالعه‌ی ماهنامه‌ی ارزشمند **گزارش** (به‌همت جناب مهندس گلیاف) می‌نمایم و به امید خدا باز هم چشم‌انتظار انتشارش خواهم بود. در برخی از شماره‌های آن مجله‌ی وزین، گاهاً و البته به‌ندرت، مقالات و نوشته‌هایی از حضرت عالی زیارت و مطالعه می‌شد، تا این‌که با چاپ زین‌نامه‌ی **حافظ**، شرایطی فراهم شد تا بیش‌تر از محضر جناب عالی و همکاران ادیب و فرهیخته‌تان، کسب فیض نمایم و از این بابت خداوند را شاکرم.

عرض بنده از این مقدمه، بیان این مطلب است که: چنان‌چه مطلع می‌باشید، مدتی‌ست قریب پنج شماره از ماهنامه‌ی **گزارش**، بعد از چندماه توقیف و محاق، دوباره چاپ و پخش شده است (البته به‌طور نامنظم). اما این **گزارش** رنگ و بو و طراوت گذشته را ندارد و متأسفانه کم‌کم از بازگشتن کیفیت آن نشریه، تقریباً ناامید گشته‌ام. چون همواره سخن‌ها و تماس‌های مردمی با **گزارش**، حکایت از این موضوع و مبین شکایت خوانندگان از کیفیت نامطلوب کنونی آن دارد، ولی مثل این‌که **گزارش** را بدجوری قصابی کرده‌اند که به سخنان خوانندگانش وقعی نمی‌نهد یا نمی‌تواند...

و اینک به‌قول معروف: «رستم است و یک دست اسلحه» و ما ماندیم و یک نشریه‌ی کامل و بی‌عیب (گوش شیطان گر) که امیدوارم تیغ و ساطور قصابان مطبوعاتی، شما را (زبانم لال) به حال و روز **گزارش** و گزارش‌ها دچار ننماید، ان‌شاءالله.

در این قسمت عریضم، چند خواهش و پیشنهاد (جسارتاً) دارم که فهرست‌وار عرض می‌دارم:

۱- به جناب مهندس گلیاف و همکاران، بفرمایید که شما را به خدا نگذارید جان دادن

و دست و پازدن **گزارش** عزیز را ناظر باشیم. اگر قرار است و توجیه شده‌اید که به همین اسلوب و همین کیفیت نشریه را به چاپ برسانید، پس خواهشاً بگذارید یاد **گزارش** قبل از توقیف و کیفیت و مقالات ماندگارش در ذهن‌مان بماند و ما به خودمان می‌قبولانیم که اصلاً **گزارش** هیچ‌وقت از بند توقیف رها نشد (که واقعاً هم نشد!)

۲- از اساتید گران‌قدری هم‌چون دکتر ناصر صفایی‌نائینی، اسماعیل یگانگی، دکتر منصور تاراجی، دکتر عبدالوهاب یادگاری و... و اساتید ارزشمند دیگری که خود عالم بر دانش و قلم توانا نشان هستند، در حافظ استفاده نمایید. مطمئناً بار فرهنگی، ادبی و تاریخی نشریه افزون خواهد شد.

۳- اجازه بفرمایید به‌قول حضرت عالی، باب نقد و انتقاد در نشریه هم‌چنان گشوده بماند. چنین بحث‌ها و مجادلات ادبی، بسیار پُربار و پُرفایده خواهد بود.

۴- در مقاله‌ی زیبا و مختصر و مفید خویش «حافظ پژوهی و حافظ پژوهان» برای بیان دلایل و ذکر سند فرمایشات‌شان از اشعار سلمان ساوجی دو غزل را ذکر فرمودید. باور کنید با همین دو غزل، بسیار شیفته‌ی آن شاعر گران‌قدر شدم. لذا تقاضا دارم چنان‌چه امکان دارد و مقدور می‌باشد، در مقاله‌ی در باب معرفی و ذکر نمونه‌ی اشعار آن شاعر شیرین‌کلام نیز زحمتی را تقبل فرموده، مسلماً با این لطف خویش بر بنده‌ی حقیر منت خواهید نهاد. هرچند شاید در **ماهنامه‌ی حافظ** باب پژوهشی و تحقیقی در این زمینه فراهم نباشد. به هر حال صلاح کار را خود بهتر می‌دانید.

۵- در مورد کتاب **سفرنامه‌ی ساردن** و طریقه‌ی تهیه و خرید آن کتاب اگر امکان دارد بنده را راهنمایی فرمایید. در لیست کتاب‌های منتشره‌ی انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی، کتاب‌های محدود و معدودی را معرفی می‌فرمایید. آیا چنین کتابی را تاکنون به‌چاپ نرسانده‌اید؟

از اطاله‌ی کلام خویش پوزش می‌طلبم و برایتان از خداوند متان آرزوی تن‌درستی و پیروزی و بهروزی می‌نمایم.

رشت - داریوش گلرنگ

حافظ: با پوزش از این‌که برای دهه‌ها نامه‌ی دیگر جا کم آوردیم، نوروز را به همه‌ی نویسنده‌گان و خواننده‌گان تبریک می‌گوییم.